

سربازان مزدور

تذکره: پدیده ارتش مزدور که در ماههای اخیر، رسانه های خبری را فراگرفته است، مقوله تازه ای نیست، فقط بروز اختلافات درون امپریالیستی در مثال عراق آنرا بصورتی آشکار بروی صحنه آورده است، وگرنه این ارتش های مزدور سالهاست که فعالیت می کنند و از طرف دولت ها و سازمانهای با اسم و رسم هم مورد استفاده قرار می گیرند و حتا بوضوح در صفحه های اینترنتی به تبلیغات می پردازند. این ارتش های مزدور برای اجاره کنندگان یک نفع بزرگ دارند و آن این که کشته شدگان این ارتش که امروز در مثال عراق ۲۰ هزار نفر را بالغ می شود، در آمار ذکر نمی شوند، بنابراین جنگی پنهانی در جریان است که وسعت آن روشن نیست و از سوی دیگر دولتها از این بابت خیالشان راحت است که هیچ عکس العملی را از طرف مردم کشوری که این مزدوران را برای مقاصد خویش اجاره می کنند، بروز نمی کند، نه آن سرمونی کشته شدگان پیچیده شده در پرچم، نه آن رژه های معمول برای قدردانی از سرباز کشته شده بخاطر منافع عالیه کشور، نه اعتراض خانواده های کشته شدگان به دولت مربوطه، نه نشان ضعف اجازه کننده و نه ...

دو ترجمه ی زیراز دو نشریه مختلف از عملکرد این سازمانهای مزدور در مثال یوگسلاوی و عراق، کوششی است تا وقایع پشت پرده را بیشتر نمایان ساخته و اهداف واقعی هیاهوهای دول باصطلاح دمکرات را نشان دهد.

سازمان فعالین جنبش نوین کمونیستی ایران - اتریش

۵/۴/۲۰۰۴

مثال یوگسلاوی سابق:

جنگ خصوصی

منبع: Preceso، شماره ۹۹، ۴، ۱۱/۱۷۱، ترجمه و اختصار به آلمانی از: Infoverteiler

بالکان: جنگ خصوصی می شود

شرکت های مزدوران فراملی ارتش ها را آموزش می دهند، در جنگ ها شرکت کرده، رژیمهای بی ثبات را نجات داده و کار ناتو را تسهیل می کنند.

نوشته: Pascal Beltran del Rio & Homero Campa, La Habana

در جنگ یوگسلاوی یک بازیگر جدید درکنار سربازان (ارتش) منظم و شورشیان بروی صحنه می آید: شرکت مزدوران خصوصی.

چند هفته قبل از آغاز بمباران یوگسلاوی توسط ناتو، دولت آمریکا به شرکت خصوصی مزدوران داینکورپ (Dyncorp) ماموریت می دهد تا عقب نشینی نیروهای صرب را کنترل نماید.

طبق گزارش مامور غیر نظامی سازمان امنیت و همکاری در اروپا (OSZE)، یک دسته مسلح ۷۴ نفری داینکورپ در حل این مساله کمک رسان نیروهای ایالات متحده شدند. این مطلب از طرف سخنگوی کاخ سفید، دوگ اونر (Doug Evner) نیز تایید شده است. اینها

جای نیروهای آمریکایی را نخواهند گرفت، ولی رُل نیروی کمک رسان را بازی خواهند کرد، چراکه بایستی این وظایف انجام گیرد، که بخوبی نیز به انجام می رسد." (مصاحبه با روزنامه اسپانیایی El Pais در نوامبر ۱۹۹۸)

یک شرکت مزدور دیگر بنام Military Professional Resources Incorporated (MPRI) (شرکت منابع نظامی حرفه ای) ارتش بوسنی-هرتسگووین را تعلیم می داد. همچنین یکی از معاونین این شرکت ژنرال بازنشسته بنام کارل وونو (Carl E. Vuono) است، که در اکتبر یک قرارداد جدید با دولت کرواسی بامضاء رساند. این همکاری از سال ۱۹۹۴ در جریان بود.

دولت یوگسلاوی در اوت و سپتامبر ۱۹۹۸ شکایتی به سازمان ملل تسلیم کرد که بموجب آن همراه کماندوهای اوچ کا (UCK)، مزدوران مسلمانی که در آلبانی، مقدونیه، هلند و چین آموزش دیده و حقوق دریافت می کنند، عمل می کنند.

اما یوگسلاوی یکی از مثالهای تازه عملکرد شرکت های مزدوران در جریان جنگ های اخیر است. پاپوا-نوگینیا (New Guinea-Papua)، گنگو، سیرا لئون (Sierra Leone)، جنوب منطقه عربی، کویت و کشورهای آمریکای مرکزی نمونه هایی از دخالت مزدوران فراملی در این مناطق هستند.

عرضه اجناس (عده ای از شرکت ها تبلیغات خویش را از طریق اینترنت انجام می دهند) همه جانبه است: خلبان برای هواپیماهای جنگی، سربازان کارکشته با اسلحه سنگین، مدرنترین جنگ افزارها همراه تانک، هلی کوپتر و هواپیماهای جنگی، کمک به شورشیان و ضد شورش، جاسوسی و ضد جاسوسی، کمک های تدارکاتی و سیستم های ارتباطاتی.

همچنان که جهانی شدن به پیش می رود جنگ نیز خصوصی می شود. "هر روز تعداد بیشتری از دولتها برای حل درگیری های جنگی ای که کشور را بی ثبات کرده است، با این شرکت های مزدور فراملی قرارداد می بندند، دانشی که مزدوران بکار می گیرند در قرارداد ذکر شده است. سازمانهای بین المللی نیز با این شرکتهای فراملی برای حفظ ثبات یک منطقه و یا کمک های تدارکاتی قرار داد منعقد می نمایند. همچنین دولتها برای اینکه در کشور دیگری عملی را به انجام رسانند از کمک های این شرکت های مزدور طبق قرارداد بهره مند می شوند." این گزارشی است که توسط مامور ویژه ی سازمان ملل متحد انریک برنا بالستروس Enrique Bernarhes Ballesteros در مورد نقض حقوق بشر توسط مزدوران هنگام بکارگیری آنها در یک کشور و جلوگیری از انجام وظایف محوله به ارتش قانونی از طرف دولت مزبور انجام گرفته است. او سپس ادامه می دهد: "این شرکت های مزدور فراملی تبلیغ سرویس خود را با استدلال، کارائی جنگی، کمی خرج، تجربه ی بالای جنگندگانشان و یا استفاده ی سازمان ملل یا اکوواس (ECOWAS) _ یک بخش از سازمان ملل متحد _ برای برپا داشتن و یا نگهداری صلح، عرضه می دارند." این گزارش در اوایل آوریل در ۵۵مین نشست کمیسیون حقوق بشر

در ژنو ارائه گردید" او بازهم ادامه می دهد: "این شرکت ها عرصه ها و محیط هائی را مورد دخالت قرار می دهند که قبل از همه حوضه ی فعالیت دولت هاست و بایستی تحت قیمومیت آنها قرار داشته باشد. قوانین بازار آزاد سرمایه داری، چون عرضه و تقاضا و یا تولید ارزان با مساله ی حساسی چون حق تعیین سرنوشت یک ملت، امنیت ملی و یا حقوق بشر در یک کشور در تضاد قرار می گیرد." سوال می کند که "چه کسی حقوق بشر مردم را تضمین می کند؟ چه کسی قرارداد ۱۹۴۹ ژنو و تبصره های آنرا تضمین می کند؟ چه کسی ضمانت می دهد که شرکت های سازماندهی شده برپایه ی سود از شرایط بدست آمده استفاده نکرده و جنگ را به درازا نکشند، یا درگیری ها را در سطحی نگاه ندارند که از آن بیشتر پول در آورند؟"

مزدوران فراملی

چهره ی "سرباز آینده" Soldiers of fortune که بتنهائی در جستجوی جنگ است، دیگر بگذشته تعلق دارد. امروز این شرکت های بین المللی هستند که عناصری را انتخاب کرده و بعنوان یک بخش از - امنیت و رایزنی - استراتژی کمک جنگی عرضه می کنند. بسیاری از آنها بخود اجازه می دهند که سرویس خود را از طریق اینترنت (پست الکترونیکی) ارائه دهند. داینکروپ - که عقب نشینی نیروهای صرب از کسوو را کنترل می کرد - خلبان برای عمارات عربی، خدمه ی آموزش دیده با هواپیمای F-18 برای کویت، آتشپز، نیروی علمی، انفورماتیکی (رایانه ای)، حقوق، فیزیکدان باتجربه ی نظامی، پلیس "در حال خدمت" برای بوسنی و پلیس "بازنشسته" برای هائیتی عرضه می کنند. در دو مورد ذکر شده ی اخیر، آنها به لباس فرم، اسلحه و خودرو مجهز هستند و از طرف وزارت خارجه ی آمریکا حقوق دریافت می کنند. طبق گزارش سانکت پترزبورگ تایم St. Petersburg Time به تاریخ ۱۸ ماه مه ۱۹۹۷: داینکروپ قرارداد پلیس با لباس شخصی بوسنی با سازمان ملل متحد را داراست. ۱۷۰۰ نفر از آنها از کشورهای مختلف در بوسنی مشغول بکارند و ۲۲۶۶۶ دلار در سال بعلاوه ی ۹۰ دلار در روز بابت ماموریت ویژه، دریافت می دارند. لیست این شرکت ها طولانی است. مرکز اغلب آنها در آمریکا، انگلیس، آفریقای جنوبی، ایرلند شمالی، باهاما و باربادوس قرار دارد. کمیسیون ویژه ی سازمان ملل، تعدادی از این شرکت های مزدوران را برای نمونه ذکر نموده است.

Defense System Limited(DSL),Saladin Security,Control RiskGroup,Braddock Integrated Security System,Booz Allen and Hamilton,Vinell Corporation,O Gara Protectiv Service,Science Application International Corp.(SAIC),Military Professional Resources Incorporatet(MPRI),Executive Outcomes,Sandline Intrnational,Dunn and McDonald Inc.

(سیستم دفاعی با مسئولیت محدود، سیستم امنیتی سالادین، گروه ریسک کنترل، سیستم امنیتی یکپارچه برادوک، شرکت بوز آلن و هامیلتون، شرکت سهامی وینل، خدمات حفاظتی اگارا، شرکت بین المللی کاربرد علمی، شرکت منابع حرفه ای نظامی، نتایج اجرائی، شرکت بین المللی ساندلاین، شرکت دان و مک دونالد)

میان آنها رقابت سختی در جریان است. طبق گزارش یو اس نیوز ورلد US Neus World رژیم آنگولا قرارداد خود را با اکسه کوتیو اوتکامز Executive Outcomes آفریقای جنوبی که بر علیه شورشیان جونزساویمی _ Jones Savimbi(UNITA) می جنگد، فسخ نموده و بجای آن ، قراردادی با MPRI در اینمورد منعقد نموده است. این شرکت از سال ۱۹۹۵ ارتش کرواسی را آموزش می دهد و در بوسنی - هر تسو کوین عمل می کند.

طبق گزارش نشریه ی گاردین ، از طرف دیگر ام پی ار آی ، قرارداد با دولت آمریکا را در مورد نظارت کسووو در مقابل داینکورپ از دست داده است. همزمان شرکت اکسه کوتیو اوتکامز آفریقای جنوبی _ با مرکزیت پروتیریا با قدرت ۲۰۰۰ مسلح در کشتی های خودی _ در سیرا لئون عمل می کند. در حال حاضر ساندلاین انترناسیونال Sandline International نیز با مرکزیت در باهاما و دفتری در لندن ، در این کشور در حال انجام وظیفه است. این دو شرکت در سرنگونی خونتای نظامی ای شرکت داشتند ، که بکمک شورای نیروهای انقلابیون مسلح AFRC و جبهه ی متحد انقلابیون RUF بقدرت رسیده بود.

۱۹۹۷ حکومت پاپوا نیوگنیا ، قراردادی با ساندلاین انترناسیونال بامضاء رساند تا جدائی طلبان بوگانیل (Bougannille) را نابود سازند. مبلغ قرارداد ۳۶ میلیون دلار برای سه ماه اول همراه مزدوران کاملاً مسلح ، کمک و تعلیمات نظامی بود.

(بوی آلن و هامیلتون Booy_Allen and Hamilton) ارتش عربستان سعودی را تعلیم داده و از تانک تا هواپیمای جنگی در اختیار آنها قرار می دهد. شرکت ایر اسکن Air (Scan) با مرکزیت در فلوریدا، که معمولاً در آمریکای مرکزی عمل می کند، در حال حاضر در کابیندا (Cabinda) _ منطقه ی خود مختار وابسته به آنگولا _ مسئول مواظبت از شرکت های نفتی جهانی است.

بدفعات اتفاق افتاده است که بخش نظامی این شرکت ها تحت قرارداد سازمان ملل متحد، حقوق بشر را پایمال کرده اند.

در ۲۱ مارس ۲۰۰۰ ، نیویورگ تایم از فراخواندن سه ژنرال کروات از طرف دادگاه بین المللی لاهه گزارش می دهد. طبق این گزارش بمباران غیرنظامیان صرب در کانین (Kanin) توسط MPRI انجام گرفته بوده است. "متخصصین و دیپلمات ها بر این اعتقاد بودند ، که کروات ها برای حمله ی ۱۹۹۵ خود (به نیروهای صرب) از خارج کمک دریافت می کرده اند، که در نتیجه ی آن توازن نیروها در بالکان را تغییر داده اند، اما MPRI بر

این موضع پافشاری می کند، که تنها به تعلیم نظامی کرواتها مشغول بوده است ."

برپایه ی یک فیلم مستند، کانال ۴ لندن با نام دی وار بیزنیس (The War Busines) در ماه مه ۱۹۹۸، در اثر بمباران یک دهکده ی آفریقائی توسط مزدوران اکسه کوتیو اوتکامز با بمب ناپالم، در یک روز نزدیک به ۵۰۰ کشته بجای ماند.

ساندلاین انترناسیونال در فوریه ی ۱۹۹۸ به سیرا لئونه، هلی کوپتر و وسائل نظامی

تحويل داد و بدین وسیله علیه ممنوعیت صدور اسلحه از طرف شورای امنیت سازمان ملل متحد عمل نمود. کمیسیون تحقیق مجلس عوام دولت بریتانیا به این نتیجه رسید، که این عمل با موافقت دولت متبوع وی انجام گرفته است. بالاخره این شرکت، نیروهای شبه نظامی Kamajor (که تسلیم رئیس جمهور Tajan Kabbah شده بودند) را مورد حمایت قرار دادند، که نابودی کودتای خوننای نظامی را هدف خویش قرار داده بود. این جریان بعلت شکنجه، کشتار و رفتار خشن با زندانیان جنگی توسط سازمانهای بین المللی محکوم گردید. برای مثال در آخرین هفته ی نوامبر ۱۹۹۸ در درگیری گبرای (Gebray) - در ۱۰۰ کیلومتری شمال پایتخت فری تاون (Freetown) - توسط این جریان جسد ۷۰ شورشی مثله شده و سپس سوزانده شد.

معامله، معامله است

اغلب این شرکت ها با رژیمهای قرارداد می بندند، که ضعیف و بی ثبات هستند. پیشنهادها فریبنده اند: حفاظت از امنیت داخلی، نابودی شورشیان مسلح، شکل دادن به ارتش ملی، سازمان جاسوسی و ضد جاسوسی. تعدادی از این شرکت ها از آنجائیکه پول و زمان کافی برای تسلیح ارتش منظم یا پلیس ملی وجود ندارد، بمدت مدیدی در این کشورها اسکان گزیده اند.

بسیاری از دولتها چنان ضعیف و کم بودجه هستند، که قادر به پرداخت پول مزدوران فراملی نیستند. گزارش مسئول تحقیق سازمان ملل این موضوع را بروشنی نشان می دهد: رژیم سیرا لئونیه بایستی هزینه ی اکسپورتیو اوتکامز را با ثروت ملی خویش بپردازد. از سبیل اتفاق اینجا نیز تیر بهدف اصابت می کند، زیرا این شرکت عضو برانچ انرجی، هریتیج اویل، گاز و دیاموند ورکز (Branch Energy, Heritage Oil, Gas and Diamond Works) - شاخه ی انرژی، شرکت نفت هری تژ، کارخانه ی محصولات نفتی و الماس - است. سیرا لئون اجرت مزدوران را بوسیله ی اجازه ی استخراج نفت، گاز و الماس پرداخت می کند. دیاموند ورکز در سال ۱۹۹۶ در ونگور (Vancouver) تاسیس شد و امروز بزرگترین صادرکننده ی الماس کانادا است، بعلاوه شرکت هواپیمائی ایبیس ایر (Ibis Air)، شرکت های ترانسپورت - وسائل تدارکاتی و شرکت های خدماتی به آن تعلق دارند. بخش بزرگی از شرکت های مزدوران فراملی شعبه هائی از یک تراست "Holding" هستند، که تکنولوژی کامپیوتری (رایانه ای)، ترانسپورت هوائی، کمک های مالی و اداری را عرضه می کنند.

برای مثال داینکروپ - که سرویس خود را از طریق اینترنت عرضه می کند - یکی از بزرگترین عرضه کنندگان تکنولوژی و "سرویس های خدماتی" در ایالات متحده ی آمریکا است. این شرکت در زمینه ی تکنیک - علمی، همچنین تکنیک مدیریت و کمک های تکنیکی معروف است. این شرکت از میان ۱۰۰ شرکت بزرگ جهانی در زمینه ی دفاعی ۶۵مین مقام را داراست. مرکز آن در رستون (Reston) ویرجینیا (اتفاقی یکی از مراکز پنتاگون) قرار

دارد. این شرکت دارای ۱۵۰۰۰ کارمند در اقصا نقاط دنیا است و در سال میلیاردها دلار درآمد دارد. ۸۰٪ هواپیماهای نازا (NASA) و ۶۰٪ هلی کوپترهای ارتش آمریکا، متعلق به بخش فضائی این شرکت می باشد.

شرکت دان و مک دونالد (Dunn and McDonald Inc. (BDM)) یک کنسرسیوم است که در زمینه ی تحقیق به ثبت رسیده است و در سال ۸۰ توانست قراردادهای مهمی با پنتاگون در زمینه ی: ساخت بمب افکن استلت (Stealth_Bomber) (گویا غیرقابل رویت برای رادار)، جنگ ستاره ها (Starwars) و تجزیه تحلیل شکست در جنگ ویتنام، به امضاء برساند. شرکت مزبور تا سال ۱۹۹۰ بخشی از شرکت فورد محسوب می شد، که سپس توسط چارلیل گروپ (Charlyle Group) خریداری شد. یکی از سهامداران شرکت اخیر وزیر دفاع سابق دولت ریگان، فرانک سی. کارلوچی (Frank c. Carlucci) بود. بقیه ی سهامداران عبارتند از، جیمز بیکر (Jamse Baker)، منشی دولت آمریکا، جان میجر (John Major)، نخست وزیر سابق انگلیس، کارل اتو پوهل (Karl Otto Pohl)، رئیس بانک ملی آلمان. در نوامبر ۱۹۹۷، چارلیل گروپ BDM را، به تار و سیستم اینتگریشن گروپ (TRW System Integration Group) در کلن لند (Clenland) اوهایو فروخت. TRW، اساساً "وسائل فضائی و دفاعی مثل روبات تولید می کند. در ژانویه ی ۱۹۹۸، BDM و TRW ادغام شده و تار و سیستم اند اینفورمیشن تکنولوژی گروپ (TRW System and Integration Technology Group) را ایجاد نمودند و دفتر جدیدی در رستون ویرجینیا باز کردند. BDN-TRW، یکی از ده صادرکننده ی مهم وسائیل به پنتاگون است. قراردادهای آنها با پنتاگون بالغ بر یک میلیارد و ۳۶۶ میلیون دلار است.

اجازه نامه برای کشتن

این شرکت ها دارای پشتوانه ی محکمی هستند: قراردادهای آنها، با سازمانهای بین المللی و دولتهای حاکم قانونی بسته می شود. آنها باین علت که اکثریت قراردادهایشان را با حکومتهای قانونی و یا برای دخالتهای "انسان دوستانه" برای صلح منعقد می نمایند، بخود می بالند.

در مثال عراق:

جنگجویان خصوصی (Private Kriger)

عراق: چهار مرد کشته می شوند، اجساد آنها در فالوجا به خیابانها کشیده شدند. در ابواب جمعی از آنها بعنوان "تاجر"، "بازسازان خصوصی" نام برده شد. در واقع این چهار نفر سربازان مزدور مدرن بودند.

نوشته روبرت میسیک، درج شده در هفته نامه (وینی) اتریشی فالتر، شماره ۱۶/۰۴
www.falter.at / Falter Statzeitung Wien

فالوجا، شمال بغداد. جمعی از مردم اجساد چهار مرد را از جیب سوخته شده بیرون آورده، به خیابانها کشیده و سپس اجساد مثله شده دو تن از آنها را بر روی پل فرات آویزان می کنند. کودکان در آنجا تجمع کرده و شادی می کنند.

سپس از این چهار نفر بعنوان تاجر و بازسازان خصوصی آمریکائی که خودرو آنها در یک دام افتاده و با راکت مورد حمله قرار گرفته اند، نام برده می شود. بدین سان این عمل شنیع وحشیانه تر جلوه می کند: اینجا نه ارتش، نه مهاجمین و نه اشغالگران مورد خشم مرگ آور عراقی ها واقع می شوند، بلکه مردانی که به آرامش زندگی در غرب پشت کرده و در صدد بازسازی عراق برآمده اند.

روز بعد، درجائی در میانه غربی آمریکا: Donna Zovko مادر یکی از کشته شدگان، عکس پسرش Jerry را جلوی دوربین نگاه می دارد. عکسی از گذشته های خوب. خدمت سربازی، لباس مخصوص استتار نظامی (Tarnanzug)، بلوز ارتشی با آستین های بالا زده شده، چکمه چتربازی. او ۳۲ ساله می شد و سرباز ویژه بود، در بخش رنجرها خدمت می کرد، بزبانهای انگلیسی، کروات، اسپانیائی، روسی و عربی سخن می گفت. دوست ۲۸ ساله او Nike Teague، در گروه معروف ویژه Nightstalkers خدمت می کرد و پیش از این در افغانستان به شکار اسامه بن لادن مشغول بود؛ Scott Hevenston نیز در Navy Seals آموزش دیده بود، که یک نیروی ویژه ارتش آمریکا است. هویت چهارمین کشته تا امروز مشخص نشده است. وقتی از "تجار" سخن می رود، شمایل دیگری مدنظر است. اما این نام گذاری بمعنی کم به دادن به امر تجارت نیست: این بستگی به این دارد که از تجارت چه درکی داشته باشیم.

هرچند که این مساله از زشتی قتل خونین فالوجا نمی کاهد- اما آشکارا مساله را به موضوع روز تبدیل می کند: خصوصی کردن هرچه بیشتر برای پیشبرد جنگ. چهار نفر کشته شده برای Blackwater ایالات متحده کار می کردند، شرکت خصوصی ای که خدمات نظامی ارائه می دهد. بنابراین، این "تجار" چیزی جز مزدوران مدرن نبودند.

با اولین جنگ خلیج آغاز جهت گیری و اگذاری تکالیف نظامی به شرکتهای خصوصی آغاز

گشت (Outsourcing) . اما در آلمان ، در آغاز سالهای ۹۰ ، در صد ارتش منظم به نسبت پرسنل تجاری (Kommerziell) صد به یک بود. امروز در عراق در قبال هر ، ۱۰ سرباز ایالات متحده یک سرباز خصوصی وجود دارد.

بدین ترتیب نیروی نظامی تجاری، دومین نیروی ائتلاف ، بقدرت ۲۰۰۰۰ نفر، از قدرت نظامی بریتانیا بیشتر است. که تاکنون ۳۰ نفر از این سربازان اجاره ای در عراق کشته شده اند.

در ایالات متحده یک دوجین شرکت بزرگ وجود دارد، که خدمات نظامی ارائه می دهند. در قبال ۱۰۰۰ دلار برای هرنفر، پرسنل خود را به مناطق جنگی صعب العبور گسیل می دارند. یکی از معروفترین آنها ، Kellogg & Brown یک شعبه از شرکت Halliburton است که ریچارد چنی ، معاون قدیم ریاست جمهوری ایالات متحده ، ریاست آنرا بعهده داشت. دیگران از معروفیت کمتری برخوردارند : مثل DynCorp و یا MPRI ، شرکتی که در تبلیغاتش اشاره به این مساله دارد که در راهروهایش " در هر متر مربعش بیشتر از پنتاگون ژنرال ها در تردند "

در واقع نیزمبالغه آمیز نیست . خیلی از افسران معروف بازنشسته ارتش ایالات متحده ، از این شانس برای پولدار شدن استفاده می کنند . بدین سان در راس MPRI ژنرال Carl E. Vuono ، یکی از افسران عالی رتبه بازنشسته ارتش ایالات متحده نشسته است . کولین پاول ، وزیر امور خارجه ، او را " یکی از بهترین دوستان " خویش می نامد . ژنرالها در راس کنسرن روابط لازم برای قراردادهای پردرآمد را دارا هستند .

خدمات نظامی فقط خدمات نظامی نیستند. بعضی از "مزدوران" مسئول تهیه مواد غذایی هستند ، عده ای فقط چمنهای Compounds ارتش ایالات متحده آمریکا که اغلب طی سالهای متمادی در شهرهای کوچک رشد می کنند ، را درو می کنند. دیگران متخصصین فنی ای هستند ، که پیچیده ترین سلاحها را مورد استفاده قرار می دهند و از آن مواظبت بعمل می آورند. در حالی که دیگران با انگشتانشان ماشه را می کشند-یعنی سربازان مدرن برای کارهای کثیف هستند. John J. Hamre. معاون وزارت دفاع دولت کلینگتون معتقد است ، شرکت های نظامی مدتهاست که "غیرقابل چشم پوشی هستند. تعداد آنها بیشتر خواهد شد؛ و تنها برای پختن سوپ بکار نخواهند رفت."

نیو یورگ تایمز روشن تر فرمولبندی می کند : " بدون آنها دیگر پنتاگون نمی تواند جنگی را به پیش ببرد."

اما بیش از هر چیز ارتش های خصوصی، دولت ایالات متحده را کمک می کنند که بدون مزاحمت در گنگره ، اهداف نظامی خویش را به کرسی بنشانند . بدین سان ارتش ایالات متحده در کلمبیا ارتش این کشور را تعلیم می دهد ، بدون اینکه نیروی ویژه ، ناوگان و یا سیا ، مستقیماً در جنگ علیه چریکهای چپ گرا و ارتش مافیای مواد مخدر ، شرکت داشته باشند . این تدابیر خیلی مطمئن تر از آن است که کمک های مالی خود را در اختیار رژیم کلمبیا برای اجاره سربازان قرار دهند .

روش مشابهی را دولت کلینگتون در میانه سالهای ۹۰ اتخاذ نمود، بدین سان که سعی نمود با کمک به دولت کرواسی برای جنگ با صربها از جنگ مستقیم دوری جوید. در آنزمان MPRI ماموریت یافت که به ارتش توچمن (Tudjman) کمک کند. تا: رژیم میلوسویچ (Milosevic) شکست بزرگی را متحمل شود. MPRI از آنموقع تاکنون بخاطر پاکسازی نژادی در کرایینا (Krajina) ملامت می شود. کسانی که تصور می کردند این عمل به MPRI صدمه رسانده است، در اشتباه هستند. برعکس: کامیابی جنگی تبلیغ خوبی برای این شرکت بود. مسلمانان بوسنی در قرارداد دیتون، در صورتی حاضر به امضاء شدند که ارتش آنها نیز "از همان عناصری که کرواتها از کمک آنان برخوردار بودند، بهره مند گردند"

بدین ترتیب خیلی از محدودیتهای قانونی دست و پاگیر را می شود با استفاده از شیوه واگذاری (Outsourcing) دور زد: برای مثال کنگره دولت ایالات متحده برای اشغال بوسنی حداکثر فرستادن ۲۰۰۰۰ نفر را تصویب کرد. اما ارتش ۲۲۰۰۰ نفر را لازم می دید. مساله را با فرستادن ۲۰۰۰ نفر سرباز خصوصی حل کردند.

شرکت های خصوصی، قبل از هرچیز در ارائه خدمات دفاع شخصی، فعال هستند. افراد نگهبان Dyn Corp محافظت رئیس جمهور افغانستان، حمید کرزای را بعهده دارند، فرماندار آمریکائی عراق، L. Paul Bremer 3 به مهارت Blackwater، شرکتی که چهار کشته فالوجا متعلق به آنها بود، اطمینان دارد.

گرایش جدید کمی شباهت به ارتش دهقانان در قرون وسطی دارد: ارتشی وجود نداشت، سربازان برپایه لزوم از کار روی زمین، سربازگیری می شدند. امروز نیز هنگامی که ارتش ایالات متحده، احتیاج به کمک دارد، به شرکتهای خصوصی متوسل می شود. و قراردادهای سربازان خصوصی را هنگامی که دیگر به آن محتاج نیست، تمدید نمی کند. این شیوه در دراز مدت خرج کمتری دربر دارد، هرچند اینگونه جنگندگان مسلح به وسائل مدرن با عینک های دودی، ایرفون در گوش و اسلحه اتوماتیک تا ۱۰۰۰ دلار در روز خرج دارند.

این ها به هیچکس جوابگو نیستند-به جز به سهام دارانشان (Shareholders). اما از آنجائیکه حساسیت های دولتی و علایق اقتصادی نبایستی همیشه بر اعمال یکدیگر سرپوش بگذارند، منطق اقتصادی می تواند بسرعت به مانعی برای منطق نظامی ایجاد کند. در واقع شرکتهای بایستی از ریسکهای بزرگ خودداری کنند - یعنی وقتی، واقعا خطرناک می شود، بایستی افسران فرمانده عملیات، دستور عقب نشینی واحدها را صادر کنند. اما سربازان معمولی باقی می مانند، که مدتهاست محتاج کمک نیروهای خصوصی هستند. بدین خاطر نشریه نیروی هوایی ایالات متحده با احتیاط می پرسد، "که آیا همکاران قراردادی ما در شرایط جنگ برای پرسنل نظامی ما ریسک بزرگ تری بهمراه ندارد؟"

اما شرکت اینگونه جنگجویان نامرئی می تواند از بروز موج وار دشمنی جلوگیری بعمل

آورد. یک دولت بارها برای بیان دستور حرکت نظامی در ابواب جمعی می اندیشد. اما وقتی چندین صد نفر سرباز خصوصی به "ماموریت" می روند، کسی از آن ها باخبر نمی شود. همچنین تحت شرایط کاملاً متعارف نظامی، یک شرکت خصوصی به این مسئله پایبند نیست، که تحت چه شرایطی بایستی آتش گشود. و در حالیکه برای عدم رعایت دیسیپلین نظامی در ارتش منظم امکان احضار به دادگاه نظامی وجود دارد، در شرکت های خصوصی، می توان بسادگی از آن چشم پوشی کرد.

بدین سان، پرسنل DynCorp در بوسنی یک درآمد کوچک جانبی کشف کردند، که در کنار وظایف نظامی خویش، یک محفل تخصصی فروش زنان و یک معامله پرتحرک، حتا با دختران ۱۲ ساله را سازماندهی نمودند. برای شرکت کنندگان تعقیب قضائی بهمراه نیاورد و پرونده خاطیان معلق شده و با سکوت برگزار شد.

تنها چیزی که اتفاق افتاد، این بود که، دو نفر کارمند DynCorp بعلت صدمه زدن به شهرت شرکت، از طرف مسئولین اخراج شدند.

کسانی که این رسوائی را به رسانه های خبری رسانده بودند.

